

در انتظار عدالت و کارآمدی

صاحب‌نظران از چالش‌ها و راهکارهای بررسی نظام مالیاتی کشور و نیل به عدالت مالیاتی سخن می‌گویند.

اخذ مالیات، به دلیل کارکردهای متعدد آن، همواره مورد توجه و تأکید همه ایدئولوژی‌ها و مکاتب سیاسی بوده است. در عین حال، نظام و نرخ‌های مالیات، تأثیرات متعددی را در بلندمدت، بر انگیزه‌های تولید، سرمایه‌گذاری، اشتغال و تولید و تجارت بر جای می‌گذارد. در همین راستا، واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران» طی پرسمانی با حضور دو تن از مسؤولان و صاحب‌نظران، به بررسی مالیات‌های فراگیر در کشور پرداخته است.

سؤالات و پاسخ‌های مربوط، به شرح ذیل هستند:

- ۱) مهمترین نقاط ضعف نظام مالیاتی کشور را نام برده و راهکارهای پیشنهادی خود را در رابطه با بهبود وضع مالیات در کشور بیان فرمایید. لطفاً در پاسخ خود به تبعیض‌ها و عدالت مالیاتی اشاره بفرمایید.
- ۲) آیا به نظر شما، فراگیر نمودن ارایه اظهارنامه مالیاتی (ارایه اظهارنامه برای مجموع درآمد) بر کارآمدی نظام مالیاتی و عدالت اجتماعی مؤثر است یا خیر؟
- ۳) نامشخص بودن موارد هزینه و سایر درآمدهای کشور (از جمله فروش ثروت نفت)، می‌تواند منجر به عدم اعتماد بخش خصوصی از دولت و افزایش فرارهای مالیاتی گردد. در زمینه شفاف نمودن بیلان هزینه‌های دولت، چه اقداماتی می‌توان صورت داد؟

کرده‌اند. به این ترتیب، به شخص متعرض فهمانده‌اند که اعتراض او بر اساس قانون، نه تنها به جایی نمی‌رسد، بلکه برای خودش هم مزاحمت ایجاد می‌کند. مسأله‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که ممیز مالیاتی باید حسابداری بداند، روش کار را مورد مطالعه قرار دهد و سپس تصمیم بگیرد. این که گاه گفته می‌شود امسال ناچاریم مقداری مالیات بیشتر وضع کنیم، نشانه بی‌تجربگی است، زیرا حق آن است که مالیات از درآمد وصول شود و درآمد میزان باشد.

● شکی نیست که هر کس اظهارنامه مالیاتی ارایه دهد از نظر روانی، خود را در برابر آن متعهد می‌بیند و این امر در کارآمدی نظام مالیاتی و عدالت اجتماعی مؤثر خواهد بود.

● در دنیای آزاد امروز، همان طور که شهروندان، مالیات می‌دهند، دولت‌ها نیز در برابر مردم متعهد به خدمتگزاری و اجرای بهترین خدمات قابل دسترسی هستند و اگر دولت‌ها به جای استفاده از این درآمد، حق داشته باشند به منابع ملی مانند ذخایر و معادن مراجعه کرده و از وجوه آنها، گرفتاری‌های کشور را رفع کنند، کارآیی آنها در برابر تعهداتشان غیرقابل ارزیابی می‌شود. به این ترتیب، بهتر آن است که دولت‌ها با درآمد مالیاتی، امور کشور را اداره کنند و منابع ملی را با تشخیص هیأت امنای مردم، به مصارف سرمایه‌گذاری و بهبود آتیه کشور برسانند. ■



ناکارآمدی در قرارداد اجتماعی

دکتر مرتضی سامتی

استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان

● دولت‌ها در گفتار، خود را خادم ملت می‌دانند، لیکن مکانیزم تأمین منابع مالی هزینه‌های آنها، به آنان این فرصت را نمی‌دهد. در تولید کالای خصوصی، نیروی کار ناکارآمد، یا جرمه یا اخراج خواهد شد، چون تولیدکننده در مقابل مصرف‌کننده مجبور به پاسخگویی است. لیکن افراد ناکارآمد در بخش دولتی، متحمل خسارتی نمی‌شوند؛ رفتار دولت‌ها بدین صورت شکل گرفته که ناکارآمدی‌ها را با نفت جبران می‌کنند و مورد سؤال هم واقع نمی‌شوند. در حالی که اگر از محل مالیات، تأمین مالی می‌شدند، نمی‌توانستند ناکارآمدی خود را از محل مالیات جبران کنند. شهروندان نیز به روند ارایه خدمات توسط دولت‌ها راضی هستند، زیرا به طور محسوس تأمین‌کننده هزینه‌ها نیستند. وقتی اهمیت و ضرورت مسأله در دید طرفین کم‌رنگ جلوه کند، ضرورت اصلاح نظام مالیاتی نیز کم‌رنگ می‌شود. در واقع، شکل‌گیری قراردادی بر مبنای اصول اقتصادی بین دولت و شهروندان، جای خود را به نوعی انتظار و توقع مردم از دولت می‌دهد. نظام مالیاتی مطلوب ◀



نظام مالیاتی غیر عادلانه

دکتر هادی غنیمی فرد

رییس خانه صنعت و معدن ایران

کسری پرداخت داشته باشد، مورد مطالبه قرار می‌گیرد، در صورت اضافه پرداخت نیز به او بازگردانده می‌شود. یکی دیگر از معایب این است که مأموران مالیاتی، بیشتر دنبال آن هستند که برای دولت، درآمد بیشتری را به حیطة وصول در آورند. همچنین، حقوق مؤدی که در متون قانونی آمده است، نادیده گرفته می‌شود و مأمور مالیاتی با توسل به تفسیرهای شخصی، از محاسبه واقعی مالیات طفره می‌رود و باعث بی‌اعتمادی مؤدیان به اجراکنندگان قانون می‌گردد. از سوی دیگر، مقامات و مراجع بررسی‌های اعتراضات و اختلافات، حوصله بررسی ندارند و تنها برخی مواقع، با تخصیص تخفیف مختصری، سعی می‌کنند مؤدی را از سرباز کنند. اکثر کمیسیون‌ها با حضور کامل اعضای آن شکل نمی‌گیرند و گاه، آنچنان مؤدی تحقیر می‌شود که به او یک برگ کاغذ می‌دهند و می‌گویند «حرف‌هایت را بنویس و برو، بعداً هیأت بررسی کرده و نظر خود را خواهد داد!» ولی در قانون آمده اگر نظر مأمور مالیاتی با نظر هیأت، بیش از ۲۰ درصد اختلاف داشته باشد، باید مورد پرسش قرار گیرد. اما از آنجا که رییس هیأت حل اختلاف، معمولاً از کارکنان وزارت دارایی است و به دلیل وابستگی و همکاری، بسیار به ندرت دیده می‌شود که بیش از نوزده درصد، به مؤدی تخفیف دهد. در بسیاری از موارد دیده شده که ممیزان، به میل خود، برای مؤدیان در دسر آفریده‌اند. مثلاً اگر یک مؤدی به ممیز اعتراض کند، برای کارخانه در حال تعمیر او، مالیات عملکرد تشخیص داده و هر کدام از کارهایی را که کارگران برای آن مشغول انجام تعمیرات بوده‌اند، فعالیت مستقلاً به حساب آورده‌اند و برای آن، برگ تشخیص مستقل صادر

● مهمترین نقاط ضعف نظام مالیاتی ایران در غیرعادلانه تدوین شدن آن، نهفته است. در طی چهل و چند سال گذشته، هرگز یک قانون مالیات بر درآمد متناسب با وضع کشور نگاشته نشد و تنها مواردی به قانون‌های گذشته، اضافه یا کسر شدند. باید گفت، اولین عیب قانون فعلی، عدم تکلیف قانونی برای شهروندان به ارایه اظهارنامه سالانه - اعم از این که درآمدی داشته یا نداشته باشند، است. در مقابل، ارایه و تسلیم اظهارنامه، این تکلیف را برای افراد به وجود می‌آورد که خود را در هر سال ارزیابی کرده و در برابر قانون، وضعیت خود را روشن کنند. یکی دیگر از نقص‌های قانون مالیات‌های مستقیم ایران، نحوه اجرای آن است علی‌رغم آن که مؤدی را مکلف کرده، چنانچه مالیاتی بیش از مالیات حقه خود پرداخته باشد، آن را مطالبه کند. اما همه همه آگاه هستند که مطالبه و دستیابی به مالیات پرداختی اضافی، با دوندگی‌های متعددی روبه‌رو است. این در حالی است که در کشورهای پیشرفته، اگر کسی به هر نوعی، مالیات اضافی بپردازد، یکی از وظایف مأموران مالیات، محاسبه صحیح مالیات است و همان طور که اگر او

اقتصاد سیاسی مالیات در ایران

مالیات افقی و مالیات عمودی را برقرار کنیم

مصاحبه ماهنامه «اقتصاد ایران» با آقای غلامرضا سلامی، عضو شورای سیاست‌گذاری ماهنامه «اقتصاد ایران» و رییس شورای عالی انجمن حسابداران خبره

حدود ۵۰ درصد کاسته می‌شود. یا مثلاً، بخش مهمی از درآمدهای بودجه‌ای دولت‌ها در کشورهای پیشرفته صنعتی و حتی بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از محل ایجاد پایه‌های مالیاتی جدید و از جمله، مالیات بر مصرف از طریق اخذ مالیات بر مبنای ارزش افزوده تأمین می‌شود. ولی در ایران، نه دولت، تاکنون حاضر بوده هزینه برقراری چنین شیوه مالیات ستانی را بپردازد و نه فعالان اقتصادی کشور حاضر به مشارکت در اجرای چنین پدیده ناشناخته‌ای هستند.

برای جایگزین کردن مالیات به جای نفت در بودجه، دولت باید با قبول هزینه‌های سیاسی و



اقتصادی، بخش توزیع مواد و کالا را از نظر مالیاتی تحت سیستم اطلاعاتی قرار دهد و مالیات قانونی را از فعالان بازار زیرزمینی و غیرشفاف دریافت کند و از این طریق، تولیدکنندگان و واردکنندگان (قانونی و غیرقانونی) را که بخشی از تولید (و حتی مواد اولیه) یا واردات خود را از طریق بازار زیرزمینی به فروش می‌رسانند، شناسایی و مالیات حقه را از آنها دریافت نماید. لازم است، این برخورد با بسیاری از فعالان در بخش خدمات نیز صورت گیرد. بدیهی است، در صورت تحقق چنین رویکردی، خیل عظیمی از کسانی که تاکنون حتی یک درصد مالیات قانونی خود را پرداخت نکرده‌اند، در شمار مخالفان دولت قرار خواهند گرفت و به همین دلیل، معتقدم اتخاذ چنین تصمیم‌هایی نیاز به یک عزم ملی دارد.

اقتصاد ایران: چه راهکارهایی در توازن منطقی درآمدهای مالیات و درآمدهای نفتی توصیه می‌کنید که پوشش‌دهنده هزینه‌های دولتی باشند؟ به اعتقاد شما، محل هزینه درآمدهای مالیاتی و نفتی چگونه باشد که نقطه بهینه درآمد - مخارج محسوب شود؟

در کشوری مانند نروژ که سرانه درآمد نفت آن، چندین برابر سرانه درآمد نفت ایران است، می‌بینیم که دولت، نه تنها قیمت صادراتی بنزین و گازوئیل را از مردم اخذ می‌کند، بلکه تا دو برابر آن نیز از مصرف‌کننده حامل‌های انرژی مالیات دریافت

اقتصاد ایران: با توجه به اتکای شدید درآمدهای دولت به بخش نفت، دورنمای آغاز یک سیاست راهبردی مالیات محور را برای اقتصاد کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سهم درآمدهای نفتی در بودجه دولت در سال‌های اخیر، به دلیل افزایش بهای نفت، به شدت بالا رفته است و به طور مستقیم و غیرمستقیم به بالای ۷۰ درصد می‌رسد. بنابراین سهم واقعی درآمدهای مالیاتی کمتر از ۲۰ درصد است. حال آن که، طبق قانون، تا پایان برنامه چهارم توسعه (یعنی پایان سال ۸۸)، سهم نفت در بودجه هزینه‌های جاری باید به صفر برسد. لذا اتخاذ یک سیاست

راهبردی مالیات محور، نیاز به یک عزم ملی دارد که در شرایط فعلی، زمینه‌های آن را مهیا نمی‌بینیم، زیرا جایگزینی مالیات به جای نفت در بودجه عمومی دولت و حتی بودجه جاری، برای دولت و هم برای فعالان اقتصادی، پُر هزینه است. دولت‌های ما به دلیل وجود درآمدهای سرشار نفتی، هیچ دلیلی برای تأمین نیازهای خود از طریق اخذ مالیات، که در هر صورت موجب ایجاد زمینه‌های نارضایتی در بخش مهمی از مردم می‌شود، نمی‌بینند. حتی آنها برای جلب رضایت رأی‌دهندگان، نظام ناکارآمد یارانه‌ای، به خصوص در بخش انرژی، برقرار کرده‌اند که به نوعی، مالیات منفی تلقی می‌شود.

در کشورهای اروپایی و حتی کشور همسایه ما ترکیه - که واردکننده بنزین و گازوئیل می‌باشند - مالیات سنگین بر مصرف‌کننده این فرآورده‌ها تحمیل می‌شود که در بعضی مواقع، بیش از دو برابر قیمت وارداتی این فرآورده می‌باشد. می‌بینیم که با وجود اعتراض گسترده مردم به این مالیات‌ها، دولت‌ها اقدام به عقب‌نشینی نمی‌کنند و هزینه تصمیمات کارشناسی شده خود را می‌پردازند. اما در ایران، صحبت از سالی ۹۰ هزار میلیارد تومان یارانه انرژی (براساس قیمت‌های فوب حامل‌های انرژی) است که از بودجه عمومی دولت در سال ۸۷ حدود ۱۵ درصد بیشتر است. حال فرض کنیم فقط ۳۰ درصد این رقم، از مصرف‌کنندگان اخذ شود. در آن صورت، از اتکای بودجه به درآمدهای ناشی از صادرات نفت،

در قالب شکل‌گیری قرارداد مذکور بین دولت و مردم قابل تبیین است، نه براساس توقع و انتظارات یکطرفه شهروندان. گاهی، بعضی از دولت‌ها نرخ نهایی مالیات را کاهش داده یا ارایه اظهارنامه برای مجموع درآمد را به منظور ایجاد کارآمدی در نظام مالیاتی طرح کرده‌اند. لیکن این تلاش‌ها در طول زمان، در سایه‌ای از نابوری از حصول به نتیجه، انجام شده است. در نهایت، تلاش در جهت شکل‌گیری قراردادی بر مبنای اصول اقتصادی بین دولت و شهروندان لازم و ضروری می‌باشد.

● روش متمایز مالیاتی متکی به تصمیم‌گیری فردی، سیستم دریافت و ضبط اطلاعات حرفه‌ای، برخی قوانین مالیاتی، عدم وجود رابطه بین سیستم بانکی و اطلاعات معاملات تجاری، ضعف فاحش پایه‌های مالیاتی، تصمیم‌گیری نرخ‌های مالیاتی بر اساس حجم مالیات مورد نیاز توازن بودجه، بدون توجه به آثار اقتصادی آن، بیش از چند دهه است که یکسان بوده و مشکلاتی از این دست، دیری است گریبان‌گیر نظام مالیاتی کشور می‌باشد.

● در ادبیات اقتصاد، وقتی بحث مالیات مطرح می‌شود، بلافاصله وظایف دولت نیز در کنار این مقوله مطرح می‌گردد. این امر نشان‌دهنده این واقعیت است که اصولاً، مالیات ستانی به منظور تأمین منابع مالی دولت در ارتباط با شرح وظایف آنها است که در قالب یک قرارداد اجتماعی که یک طرف آن دولت و طرف دیگر آن شهروندان هستند، قابل طرح می‌باشد. رابطه دولت و شهروند، نوعی رابطه نمایندنده و موکل است، بدین معنی که دولت، نماینده مردم به منظور انجام برخی امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که اصولاً در قالب فعالیت‌های بازار، انجام شدنی نیست، می‌باشد. بنابراین هرگونه درخواستی از طرف شهروندان در این زمینه، مستلزم صرف هزینه است که باید بپردازند. طبیعتاً هنگامی که فردی علاقه‌مند به خرید یک دستگاه اتومبیل است، باید قیمت آن را پرداخت کند. در این هنگام، فروشنده اتومبیل، ملزم به تأمین کیفیت کالای خود و خریدار نیز ملزم به پرداخت می‌باشد. بنابراین، نوعی قرارداد دوطرفه بین متقاضی و عرضه‌کننده محصول به طور نوشته یا نانوشته وجود دارد. در این قرارداد، متقاضی، سؤال‌کننده در قبال کیفیت و کمیت است و عرضه‌کننده، در قالب قرارداد، پاسخگو می‌باشد. به طور حتم، در رابطه بین دولت و شهروندان چنین قراردادی حاکم است. شهروندان به طور کلی، متقاضی رفاه هستند و باید هزینه‌های آن را بپردازند و این به دولت مشروعیت می‌دهد که مالیات ستانی کند. بنابر این اصل مالیات، هزینه رفاه ملی است که شهروندان باید آن را تأمین کنند. حال اگر رابطه شهروند و دولت به این صورت شکل بگیرد، مسایل و مشکلات نظام مالیاتی روشن شده و در طول زمان برطرف می‌گردد؛ نظیر آنچه که در بسیاری از کشورهای مختلف جهان - حتی کشورهای در حال توسعه مثل ترکیه - صورت گرفته است. ■